

پیش‌خدمت

«امام خمینی مردی در انتهای افق» در آیینۀ اثری نوانتشار

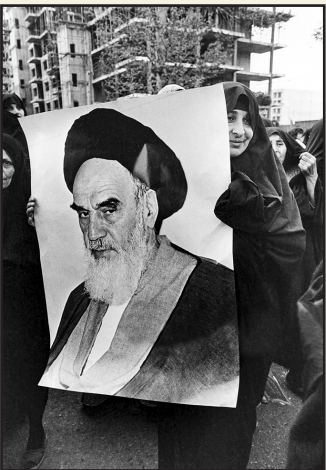
در وصف او که برای تغییر بنیادین آمد

■ شاهد توحیدی

اثر پژوهشی امام خمینی مردی در انتهای افق، نوشته دکتر یعقوب توکلی به بررسی اندیشه، سلوک و رفتار سیاسی رهبر کبیر انقلاب اسلامی پرداخته است. آیت الله العظمی

سیدروح‌الله مصطفوی- که در جریان رهبری انقلاب

اسلامی ایران نابالام خمینی و سپس امام‌خمینی خوانده‌شد- شخصیت فقهی، فلسفی و عرفانی نادر و بی‌بدیلی است که نمی‌توان در هوشمندی، تیزبینی و زمان عارفان، فقیهان و متكلمان جهان اسلام برای او هم‌اوردی یافت. از سوی دیگر قدرت ایجاد روح معنویت و تعبد این شخصیت بزرگ که موجب ایجاد و استمرار انقلاب و نظام اسلامی شد، همانندی در میان عارفان، فقیهان و متكلمان جهان اسلام ندارد. زاهد پارسیایی که در دور افتاده‌ترین نقطه شهر نجف، توانست اصلی‌ترین کانون‌های مقاومت انقلابی را در ایران سازماندهی کند و در ادامه بزرگ‌ترین انقلاب اجتماعی جهان را در دهکده نوفل‌لوشاتو پاریس رهبری و هدایت کندو یکی از کهن‌ترین سلسله‌های استبدادی ستم‌پیشه را با گسترده‌ترین حمایت‌های جهانی امریکایی و غرب در هم شکند. او به‌سان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان انقلابی جهان توانست هوشمندانه‌ترین راه‌های راه‌های را برای ملتش به ارمان‌ביاورد و با قدرت هر چه تمام‌تر نظریه انقلابی خود را اجرا کند. برقراری این نظام نوظهور، بازتاب‌ها و نظریه پردازی‌هایی مستمر را به همراه داشته است که آثار آن را در ساحت اندیشه، فرهنگ و سیاست جهان امروز می‌توان به نظاره نشست. این کتاب مجموعه مقالات، گفتارها و گفتوگوهایی در تبیین اندیشه سیاسی و عملکرد امام خمینی است که اکثر



آن‌ها طی سالیان مختلف در جراید منتشر گردآوری و تدوین شده است. در بخش‌هایی از دیباچه این اثر مفاد آن در تریب بی‌آدمه بازنمایی شده است:

«انقلاب اسلامی ایران که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی و رسید و نظام حکومت اسلامی مبتنی بر حاکمیت ولایت فقیه را بر پا داشت، سر آغاز تحولات عمیق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران و دیگر ممالک اسلامی و جهان محرومان بود. ولایت‌فقیه نمره تلاش فکری و عملی بزرگ‌مردی فقیه و فیلسوفی عارف بود که به تشکیل نظام اسلامی و حاکمیت احکام اسلام انجامید. بسیاری از محققان بر این باورند که امام‌خمینی از آغاز به فکر تشکیل حکومت اسلامی نبود، بلکه مقتضیات سیاسی زمان تفکر امام را شکل داد و حوادث انقلاب را به دنبال آورد. در پاسخ به این گمانه باید گفت که نظام‌های حکومتی به دو نحو با اندیشه سیاسی حاکم رابطه برقرار می‌کنند:

۱. نظام بر مبنای یک اندیشه سیاسی پذیرفته شده، پایه‌گذاری می‌شود. به عبارت دیگر آنچه‌ا که جامعه می‌پذیرد به مرحله عمل در می‌آورد.
۲. نظام حکومتی شکل می‌گیرد و پس از آن اندیشه سیاسی و ایدئولوژی حاکم و بنا به مقتضیات، تعریف و تبلیغ می‌شود.
در شکل اول نظام‌های مردم‌مدی و الهی مبتنی بر اصولی هستند که از سوی جامعه و مردم پذیرفته شده‌اند، اما مشکل دوم نصادی از حکومت‌های دیکتاتوری و مستبدانه است. لذا وقایع مربوط به ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و قیام خونین مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (ره)، از این زاویه قابل بررسی است. آ‌پا این قیام بر یک هدف اساسی و برنامه و اندیشه سیاسی شکل گرفته، یا خود قیام زمینه را برای تدوین اندیشه حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه به وجود آورده است؟ در این کتاب تلاش شده است تا به این پرسش پاسخ مناسبی داده شود...»

■ **بروین قائمی**
مبارزات سیاسی و انقلابی شهر مشهد با نام سه تن گر ه خورده است: آیت‌الله العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای، آیت‌الله عباس واعظ طبسی و شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد. سید در زمره علمای فرزانه و خطبایی والا مقامی است که همه توش و توان فکری خود را در راه معرفی و ارتقای مبانی نهضت امام خمینی به کار گرفت و با بهره‌مندی از بیانی شیو و قلمی توانا، برای دفاع از ارزش‌های اعتقادی و مبارزه با منکرات و ترویج فضیلت‌ها قیام کرد. او از سختی‌های زندان، شکنجه، تبعید و فشارهای گوناگون رژیم ستمشاهی، ترسبی به دل نداد، نه به‌گونه‌ای که می‌توان او را یکی از تأثیرگذار ترین شخصیت‌های علمی و دینی و از نیروهای خط مقدم اسلامی در خراسان دانست. مقال پی آمده، شمه‌ای از کارنامه فکری و مبارزاتی اوست.

■ ■ ■

■ **در آغازین فصل**

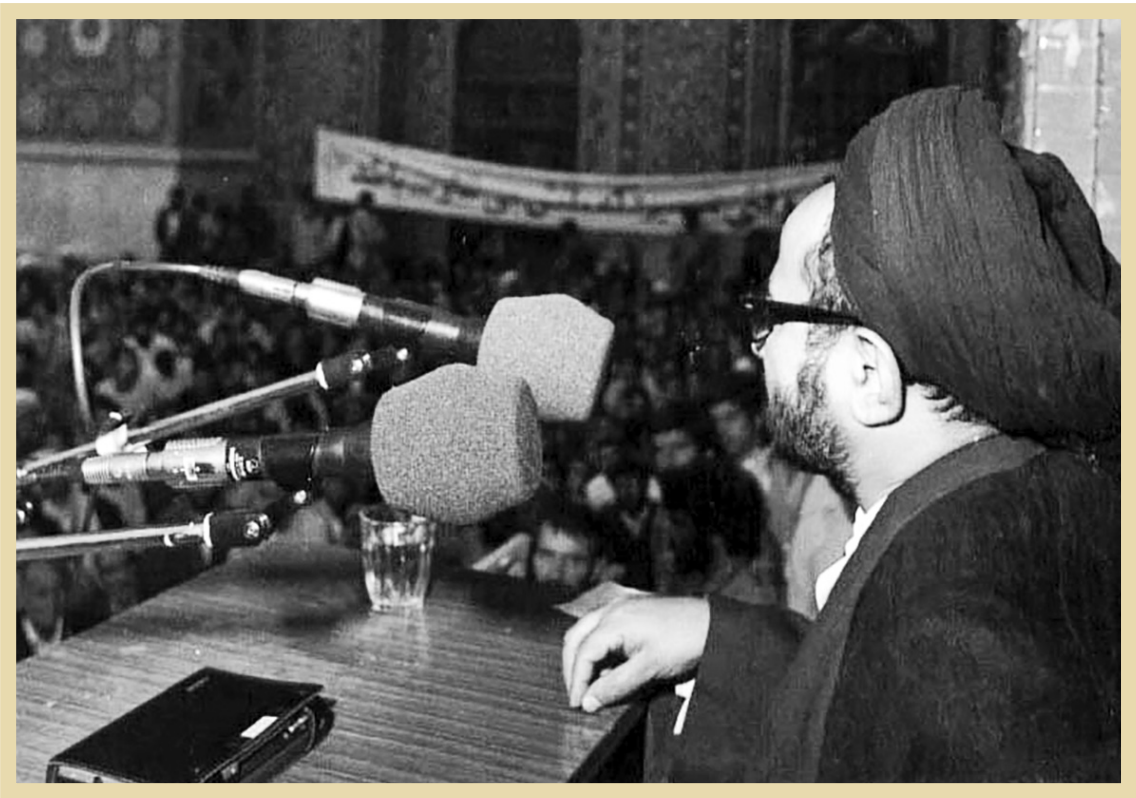
شجره سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد به زیدبن‌علی‌بن حسین(ع) می‌رسد که حدود قرن سوم هجری به طبرستان و رویان مهاجرت کردند و در دوره علویان در شمال ایران در تشکیلات اداری و سیاسی آن‌ز قدرت زیادی برخوردار بودند. پدر شهید در روستای زبوران در غرب‌بهبشر به زراعت و دامداری اشتغال داشت. سپس به‌بهبشر مهاجرت کرد و در آن شهر به کاسبی مشغول شد. شهید درباره پدرش گفته است: «پدرم یک کاسب معمولی بود. مغازه‌ای داشت، اما سطح فروش و کالاهایی که عرضه می‌کرد، بسیار ناچیز بود...»

سیدعبدالکریم بزرگ‌ترین فرزند خانواده و صاحب شش خواهر و برادر بود. او در سال ۱۲۱۱، در بهبشر به دنیا آمد. فضای خانواده به‌رغم مشکلات اقتصادی مملو از معنویت، دیانت و دعوت به اخلاق بود. سیدعبدالکریم برای نخستین بار درس مقاومت در سختی‌ها را در خانواده فراگرفت و بعدها توانست آنها را در زندگی فردی، اجتماعی و مبارزاتی به کار ببندد. دوران کودکی او با مقطع حکومت رضاخان هم‌زمان بود و او فساد و تباهی رژیم را در روزمره خود و کودکان دیگر احساس می‌کرد. سید بسیار شگوش و اهل قناعت بود و تحمل و صبر را از پدر آموخت. چهار سال بیشتر نداشت که توانست با کمک پدر قرآن بخواند.

از کودکی به وعظ و خطابه علاقه داشت و چند متکا را روی هم می‌گذاشت، منبر درس می‌کرد، بالای آن می‌نشست و سخنرانی می‌کرد. در شش سالگی در بهبشر به دبستان شاه‌عباس رفت. پس از اتمام دوره دبستان در سال ۱۲۲۵ هـ ش در سن ۱۴ سالگی به حوزه آیت‌الله شیخ‌محمد کوهستانی رفت و به تحصیل علوم حوزوی پرداخت. آیت‌الله کوهستانی به او علاقه بسیار داشت و زمینه‌های رشد علمی او را فراهم کرد. هاشمی‌نژاد طی چهار سال، مقدمات علوم حوزوی و بخشی از اصول و فقه را نزد آیت‌الله کوهستانی فرا گرفت و در ۱۸ سالگی برای ادامه تحصیل به قم رفت و در مدرسه حجتیه اقامت کرد. در این مدرسه با شیخ‌علی فریدالاسلام کاشانی - که از ذهنی بسیار قوی بر خوردار بود و در استنباط مهارتی داشت -هم‌حجره بود و از او بسیار آموخت. او در حوزه علمیه قم از آیات صدوقی، مجاهدی، محقق داماد و سیدرضا صدر دروس سطوح را فرا گرفت و سپس در مقطع خارج فقه و اصول در درس آیت‌الله بروجردی

ساریخ

تاریخ:۸۸۴۹۸۴۷۴



شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد نمادی از زمان آگاهی در اندیشه و عمل

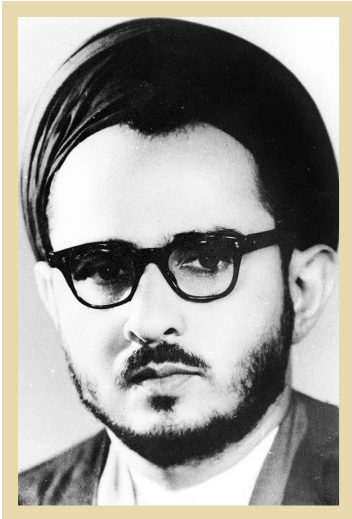
روایت‌ها و درایت‌هایی از صاحب خطابه‌های پرشور!

■ **بروین قائمی**

همراه با دوست خود سیدحسن طاروسی به عراق رفت و در محضر آیات عظام سیدمحمدحسن حکیم، سیدعبدالهادی شیرازی، سید ابوالقاسم خوثی و سیدمحمدود شاه‌رودی تلمذ کرد. پس از چندی در یافت که با وجود بالای علمی بزرگان نجف این حوزه از اتحاد و انسجام حوزه قم بر خوردار نیست و دروس فقه و اصول آیت‌الله بروجردی و امام‌خمینی از نظر دقت علمی و محتوا، تفاوت عمده‌ای با دروس حوزه نجف ندارد و در عین حال ایسن کانون از فضا و مسائل سیاسی و اقتضانات روز بسیار دور است! به همین دلیل در سال ۱۳۳۵ هـ. ش تصمیم گرفت تا به قم برگردد.

■ **در کوی دوست**

شهید سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد در کنار فراگیری دروس حوزوی در محضر امام خمینی در نهضتی که از سالل ۱۳۴۱ هـ. ش آغاز شد، فعالیت جدی داشت و پا به عرصه مبارزات گذاشت. هنگامی که امام به ترکیه و به‌و اجازة سخنرانی در آن را راهم نداد. شهید درباره این جلسات روایت کرده است: «بعد از رفتن به مشهد، کار عمده و اصلی من تدریس و برگزاری جلسات بحث آزاد برای دانش آموزان و دانشجویان بود. این جلسات با مباحثی از دستورات برگزار می‌شدند و بسیار موفق بودند تا وقتی که ساواک برگزاری جلسات را ممنوع کرد...». سید به هر بهانه، جلسات سخنرانی را برقرار و تلاش می‌کرد تا مکلام اخلاق را نه جوانان بیاموزد. او در بیاناثات ضمن طرح مسائل علمی و مباحث فقهی با زیرکی و ظرافیتی خاص مباحث انقلابی را نیزبر طلاب آموزش می‌داد و از آنان می‌خواست که به اوضاع اجتماعی و سیاسی دقت و ذهن مردم را نسبت به مصائبی که استبداد و سرشان آورده بود، روشن کنند. بدیهی است که این شیوه آموزشی، حساسیت ساواک و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی را برانگیخت و فتار و گفتار وی به شدت تحت‌نظر قرار گرفت، اما تا نبوغ خود هر بار از چنگ آن‌ان می‌گریخت!



ف

چهره نام‌آشنای دوران مبارزات، در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره تلاش می‌کرد تا از حوزه قدرت دور بماند و به فعالیت‌های فرهنگی و تربیت نیرو بپردازد. او در سال ۱۳۵۸، به عنوان نماینده مردم مازندران در مجلس خبرگان حضور پیدا کرد. در شرایطی که لیبرال‌ها و افراد مغرض تلاش می‌کردند تا اصل ولایت فقیه به تصویب نرسد، شهید هاشمی‌نژاد برای قانونی کردن آن تلاش و پیگیری فراوان مبذول داشت

عرض تسلیت شرح مفصلی از اوضاع را به اطلاع ایشان رساند. امام هم در پاسخ آوردند که این انقلاب به مدد امثال شما به پیروزی خواهد رسید.

■ **در طریق بیدارگری و آگاهی‌افزایی**

هاشمی‌نژاد پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ به مشهد برگشت و ضمن ادامه تحصیل در محضر آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدهادی میلانی و آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی به تدریس رسائل و مکاسب شیخ انصاری پرداخت که خود نشانه عبق و گستره علمی وی بود. شهید ضمن تدریس، آگاهی‌های انقلابی طلاب را نیزاز ارتقای می‌داد و آنها را با مسائل روز آشنا می‌کرد. او در سال ۱۳۴۳ هـ. ش و با همکاری برادر همسرش سیدحسن طبیبی یادار، کانون بحث و انتقاد دینی را برای پاسخگویی به سؤالات فکری و سیاسی جوانان راه‌اندازی کرد. جلسات این کانون در رشد و آگاهی سیاسی جوانان به شکل بارزی تأثیر داشت و عرصه‌های مبارزاتی جدیدی را به‌روی آنان گشود. لذا ساواک، شهید هاشمی‌نژاد را از این کانون جدا کرد و به‌و اجازة سخنرانی در آن را راهم نداد. شهید درباره این جلسات روایت کرده است: «بعد از رفتن به مشهد، کار عمده و اصلی من تدریس و برگزاری جلسات بحث آزاد برای دانش آموزان و دانشجویان بود. این جلسات با مباحثی از دستورات برگزار می‌شدند و بسیار موفق بودند تا وقتی که ساواک برگزاری جلسات را ممنوع کرد...». سید به هر بهانه، جلسات سخنرانی را برقرار و تلاش می‌کرد تا مکلام اخلاق را نه جوانان بیاموزد. او در بیاناثات ضمن طرح مسائل علمی و مباحث فقهی با زیرکی و ظرافیتی خاص مباحث انقلابی را نیزبر طلاب آموزش می‌داد و از آنان می‌خواست که به اوضاع اجتماعی و سیاسی دقت و ذهن مردم را نسبت به مصائبی که استبداد و سرشان آورده بود، روشن کنند. بدیهی است که این شیوه آموزشی، حساسیت ساواک و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی را برانگیخت و فتار و گفتار وی به شدت تحت‌نظر قرار گرفت، اما تا نبوغ خود هر بار از چنگ آن‌ان می‌گریخت!

مشکل بزرگ ساواک با شهید این بود که او تبلیغات فرهنگی و دینی خود را به مشهد محدود نکرده بود، بلکه در سراسر خراسان، تهران، کرمانشاه، چالوس و خرم‌آباد نیز به تبلیغ افکارش می‌پرداخت و لحظه‌ای آرام و قرار نداشت. در سالل ۱۳۴۷ بر فعالیت‌های سیاسی خودافزود و ساواک نیز شدت عمل بیشتری به خرج داد و تهدیدش کرد که حق ندارد خارج از مباحث دینی حرفی بزند که البته شهید به این تهدیدات واقعی نتهاد و به تکاپوی خود ادامه داد. هاشمی‌نژاد در مسیر مبارزات خویش، شش بار دستگیری زندانی شد. بار اول در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ بود که در تهران بازداشت و روانه زندان شد و به مدت ۴۰ روز در زندان بود. بار دوم در حادته مسجد قبل شهید از سوی نیروهای شهربانی دستگیر و راهی بازداشتگاه لشکر ۷۷ خراسان شد و سه ماه در زندان بود. در این دوره، شکنجه‌های فراوانی را نیز تحمل کرد. در سال ۱۳۴۴، بار دیگر دستگیر و راهی زندان قزل‌قلعه تهران شد. یک بار هم در اصفهان به مدت دو ماه زندانی شد، اما حبس طولانی او در فاصله سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ بود. در سال ۵۷ نیز مدت کوتاهی به زندان رفت. طبق اسناد ساواک بیش از ۸۰ بار به هاشمی‌نژاد تذکر داده شد یا مورد احضار قرار گرفت که در بین روحانیون مبارز کشور اا عجیبی است! هر بار که شهید وارد شهر

د

مشکل بزرگ ساواک با شهید هاشمی‌نژاد این بود که او تبلیغات فرهنگی و دینی خود را به مشهد محدود نکرده بود، بلکه در سراسر خراسان، تهران، کرمانشاه، چالوس و خرم‌آباد نیز به تبلیغ افکارش می‌پرداخت و لحظه‌ای آرام و قرار نداشت. در سال ۱۳۴۷ بر فعالیت‌های سیاسی خودافزود و ساواک نیز تهدیدش کرد که حق ندارد خارج از مباحث دینی سخنی بگوید که البته شهید به این تهدیدات واقعی نتهاد و به تکاپوی خود ادامه داد

آستان قدس رضوی(ع)، شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد در حال ایراد سخنرانی

می‌شد، ساواک یا شهربانی او را احضار می‌کرد و از سخنی‌ها و رفتارهای فراوانی دست و پنجه‌نرم کرد و خودداری کند. نهایتا ساواک در ۳۱ شهربور ۱۳۵۲ او را متنوع‌المنبر کرد. از آن به بعد شهید جلسات مخفی‌ای را در خانه‌ها بر گزار و تلاش می‌کرد تا با ایجاد شبکه‌های ارتباطی از مبارزان و روحانیون کشور نوازهای سخنرانی‌های امام را توزیع و با مبارزان فلسطینی و گروه‌ها مذهبی مخالف رژیم در امریکا و اروپا ارتباط برقرار کند. این نوع فعالیت‌های وی در گسترش و تقویت انقلاب اسلامی فوق‌العاده مؤثر بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی، یار و همراه همیشگی شهید در مبارزات در این‌فقره گفته‌اند: «از آنجا که در مشهد فشار دستگاه خیلی زیاد بود و ساواک نسبت به آن حساسیت نشان می‌داد، او ناگزیر بود کمی با احتیاط رفتار کند و فقط در فصول منبر و برای سخنرانی به شهرهای مختلف سفر می‌کرد و به هدایت افکار و بسیج مردم می‌پرداخت...»

■ **قلمی که همهای بیان بود**

صاحب خطابه‌های پرشور در کنار فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خویش به تألیف آثار ارزشمندی درساره معارف اسلامی و موضوعات اخلاقی و اعتقادی می‌پرداخت و سعی می‌کرد، ذهن جوانان را در زمینه مسائل اعتقادی و دینی روشن و بی‌تکار سازد. به تعبیر رهبری «او چندین تألیف در زمینه‌های اسلامی، اجتماعی و مسائل اعتقادی باقی گذاشت که از نظر مردم کتاب‌های مطلوب و رایجی بودند و دست به دست می‌شدند...» از جمله آثار ارزشمند شهید، کتاب «منظاره دکتروین»، «مقام‌های امام خمینی، شهید دو بار در این منشتر شد و به صورت گفت‌وگوی یک پیرمرد آگاه و روشن ضمیر یا فردی است که دکترا‌ی حقوق دارد. این کتاب که نخستین تألیف رهبر شده شهید است، با استقتال یک نظریه رومرو شد و حساسیت ساواک را به شدت برانگیخت، به گونه‌ای که از انتشار آن جلوگیری کرد. کتاب‌های دیگر شهید - که هر یک در تنویر افکار عامه مردم، به ویژه جوانان تأثیر زیادی داشت- عبارتند از: «درسی که حسین(ع) به انسان‌ها آموخت»، «قرآن و کتاب‌های دیگر اسامی، حاوی ۱۰ سخنرانی شهید در حسینیة ارشاد»، «مقام شهید»، «کمونیسم از دیدگاه نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام»، «رسالت انقلابی امام‌حسین(ع)»، «مشکلات بزرگ نسل ما»، «ولایت فقیه در بررسی بعد سیاسی ولایت فقیه»، «پاسخ ما به مشکلات جوانان»، «هستی‌نظام و توحید و صفات پروردگار»، «ضرورت تشکیلات»، «رهبران راستین»، «اصول پنج‌گانه اعتقادی»، «مسائل عصر ما»، «مشکلات مذهبی روز»، «مبارزه با جهل و مادیات» و چند عنوان دیگر. سیدمحمدجواد هاشمی‌نژاد فرزند شهید در کتاب باب این مبارزات پدر اعتقاد دارد: «رود پدر به عرصه مبارزه با رژیم پهلوی با نوشتن یک کتاب در سنن ۲۶ سالگی شروع شد. چنان‌که برای کتاب تا پیروزی انقلاب ممنوع بود، اما به‌رغم این ممنوعیت، ۱۸ بار به‌طور مخفیانه چاپ شد و در بین جوانان دست به دست شد...»

■ **۳ بار دبستانی، پرچمداران انقلاب**

در شهر شهادت

بی‌تردید در سالیان نهضت اسلامی، یکی از قوی‌ترین جبهه‌های مبارزه، در خراسان و شهر مشهد به رهبری آیت الله سیدعلی خامنه‌ای، آیت‌الله عباس واعظ طبسی و شهیدحجت‌الاسلام والمسلمین سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد تشکیل شده بود و ساواک نیز نسبت به آن حساسیت زیادی نشان می‌داد. این سه مبارز دیرین در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی نقشی خطیر داشتند و بر شکل‌دهی مبارزات مردم سراسر خراسان و حتی کلیت ایران تأثیر فراوانی گذاشتند. آنها تا پیروزی انقلاب اسلامی، دوشادوش هم در مشهد مبارزات سیاسی راه‌دایت و مدیریت کردند و پس از پیروزی هر یک نقش‌های مهمی را بر عهده گرفتند. اکثر راهپیمایی‌ها و صدور اعلامیه‌ها در مشهد با هدایت فکری این سه تن انجام می‌شد. اعلامیه‌ها را هر سه امضا می‌کردند و دستورات حضرت امام از سوی آنها دریافت و اجرا می‌شد. با اوج گرفتن انقلاب، مبارزات هر روز دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شد و هوشمندی و دقت برای اداره امور ضرورت بیشتری پیدا می‌کرد. این سه تن با برگزاری جلسات منظم و مداوم و دورهای در خانه‌های شان، برای حفظ انسجام کارها و فعالیت‌های تلاش می‌کردند. طبیعتاً شهید به

جوان

|روزنامه جوان |شماره ۷۱۳۵

عنوان یک مرکز دینی مهم، کانون ترویج افکار اصل اسلامی و انقلابی و محور همه حرکت‌های فرهنگی و مبارزاتی بود. آغاز و پایان هر راهپیمایی روز ۲۹ آبان سالل ۵۷، مأموران رژیم مردم را تا حرم مطهر تعقیب کردند و با حمله به آنها حرم ساحت مقدس امام رضاع) را شکستند. آن روز نقش این سه تن در ایراد سخنرانی‌های انقلابی و هدایت مردم بسیار تعیین‌کننده بود و تلاش کردند پیام انقلابیون را به مردم دنیا برسانند. پیش از بازگشت امام خمینی به میهن، مردم با اشتیاق آماده استقبال از ایشان بودند و رژیم نیز از این بابت هراس فراوانی را تجربه کرد. در این دوره جمع زیادی از مردم شهر مشهد، در آستان قدس رضوی(ع) متحصن شده بودند. آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله واعظ طبسی و شهید هاشمی‌نژاد نیز در حرم بست نشسته و با مردم همراه بودند تا به رژیم فشار بیاورند و مانع بازگشت رهبر انقلاب را از سر راه بردارند. سرانجام امام به ایران بازگشتند و شور و هیجانی وصف‌ناپذیر در میان مردم به وجود آمد. آن روزها به ترتیب پیی آمده، در کلام فرزند شهید انعکاس یافته است: «پدر در طول زندگی با سختی‌ها و رفتارهای فراوانی دست و پنجه‌نرم کرد و مخاطرات زیادی را پشت‌سر گذاشت. به طوری که می‌توان گفت، لحظه به لحظه زندگی ایشان پر از خطر و مانع بودازمانی که من به دنیا آمدم، پدر در زندان بود و تا پیروزی انقلاب بارها به زندان افتاد، اما همه این رنج‌ها با دیدار با امام و پس از ۱۵ سال، یکسره از خاطر او محو شد!ما برای دیدار با امام به تهران و پس از نماز صبح به امامت امام پیش رفتیم. مرحوم حاج‌احمدآقا تصور می‌کرد، امام پدرم را به خاطر نخواهند آورد و ایشان را به امام معرفی کرد. امام اغوش گشوند و پدر را در اغوش گرفتند و با ابراز احساساتی عجیب از ایشان تجلیل کردند که برای همه اعجاب‌آور بود. ایشان پس از شهادت پدر نیز خانواده را مورد لطف فراوان قرار دادند و پدر را با صفاتی توصیف کردند که کم‌نظیر بود...»

■ **در دوران دشوار پس از پیروزی**

چهره نام‌آشنای دوران مبارزات، در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره تلاش می‌کرد تا از حوزه قدرت دور بماند و به فعالیت‌های فرهنگی و تربیت نیرو بپردازد. او پس از تأسیس نظام، کانون تفکرات اسلامی و نیز جامعه روحانیت مبارز را در مشهد راه‌اندازی کرد و با اصرار شهید آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای، سرپرستی حزب جمهوری اسلامی را در خراسان به عهده گردید. در راستای تقویت و حمایت رزمندگان اسلام هیئت‌هایی به کشورهای سوریه، اردن، لیبی، بتکلاش و ژاپن رفت. در سال ۱۳۵۸ نیز بعنوان نماینده مردم مازندران در مجلس خبرگان حضور پیدا کرد. حضور او در این مجلس تاریخ‌ساز خود در خور پژوهش و مقالی دیگر است. به عنوان نمونه در شرایطی که لیبرال‌ها و افراد مغرض تلاش می‌کردند تا اصل ولایت فقیه به تصویب نرسد، شهید هاشمی‌نژاد برای تصویب آن تلاش و پیگیری فراوان مبذول داشت. با شروع جنگ تحمیلی، تلاش‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای شهید در کنار سخنرانی‌های شورانگیز او در راستای تقویت و حمایت رزمندگان اسلام آغاز شد. وی در یکی از روزهای موشکیاران شهر دزفول با حضور در کنار مردم و تشویق آنان به مقاومت و ایستداری در تقویت روحیه رزمندگان نقشی بی‌بدیل ایفا کرد. او گاه همراه با بار دیرین خود، رهبر معظم انقلاب بارها به مناطق جنگی می‌رفت. آیت‌الله خامنه‌ای در این موضوع خاطر نشان کرده است: «یک بار از تهران، به اتفاق هم به اهواز رفتیم و ایشان چند روزی با ما ماندند و بعد به اتفاق به دزفول رفتیم. عصر همان روز در مسجد جامع دزفول، برای مردم قهرمان آن شهر که چندی پیش در اثر اصابت موشک‌های ۱ متری تعداد شهدای بزرگمیدیم و نیمه‌های شب بر اثر صدای مهیب چندین موشک عراقی از خواب بیدار شدیم. با شهید به محل حادثه - که حدود ۲۰۰ مترن از طرف تر بود- رفتیم. در هنگام مشاهده صحنه دلخراش حادثه به چشمان هاشمی‌نژاد نگاه کردم، اشک در چشمان او حلقه زده بود. با این حال صدای او هرگز دچار ذرات لرزش نشد...»

■ **واپسین فصل کرامات**

سرانجام شهید پر خروش ما در طول حیات خویش، لحظه‌ای از افشای نقش منافقانه و انحرافی سازمان موسوم به مجاهدین خلق فرو گذار نکرد و همواره قاطعانه در برابر تفرقه‌افکنی‌ها و ایجاد شبهات بوزیم‌مدی آنان ایستاد. منافقین که به درستی در یافته بودند با وجود او - که پشتوانه علمی و فکری و مبارزاتی قوی و طولانی دارد- کاری از پیش نمی‌برد و وی چون سدی قوی در برابر ترویج افکار انحرافی آنها ایستاده و لحظه‌ای دست از مبارزه نخواهد کشید، تلاش کردند ابتدا او را به حمله و او را از میدان به در کنند و چون موفق نشدند، دست به ترور او زدند! سرانجام در ۷ مهر ۱۳۶۰ هـ. ش پس از پایان کلاس درس شهید سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد، منافقی که به دلیل افکار انحرافی از حزب جمهوری اخراج شده با نارنجکی که به خویش بسته بود به آن عالم مجاهد حمله کرد و او را به شهادت رساند. پیکر شهید روز شهادت امام جواد(ع)، در دارالزهد حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد. مرقد او در آستان قدس رضوی(ع)، از زیارتگاه‌های مردم مسلمان و انقلابی است.